

منظر نوین «کوه» در شعر نو پارسی

مقایسه جایگاه کوه در اسطوره‌های ایرانی با شعر نو*

بابک داریوش^{۱*}

محمد آتشین‌بار^۲

۱. پژوهشگر دکتری معماری، گروه معماری منظر پژوهشکده نظر و دانشکده علوم اجتماعی

دانشگاه ژنو.

۲. مدرس پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران؛ پژوهشکده نظر، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۲۳

چکیده | از دوران کهن تاکنون کوه نزد ایرانیان دارای جایگاه ویژه‌ای بوده است. قبل از اسلام به واسطه شخصیت اسطوره‌ای آن و از جمله محل زندگی الهه آناهیتا ستایش شده است و بسیاری از اسطوره‌های دیگر نیز در ارتباط تنگاتنگ با کوه جاودان شده‌اند. به همین واسطه شخصیت کوه نیز از ارزش ویژه‌ای برخوردار بوده و این مهم در خلق آثار معماری، شهری و هنری ایران تأثیرگذار بوده است. مقابر، بقعه‌ها، نقاشی‌ها، میناتورها و همچنین سازمان فضایی شهرها از جمله آثاری هستند که می‌توان رد پای کوه را در شکل‌گیری آنان مشاهده کرد.

اما امروزه با گذر تاریخ، این ارزش‌ها تغییر کرده و شخصیت کوه دگرگون شده است. این مقاله در صدد است به تحلیل ابعاد منظرین کوه و تغییرات آن در اندیشه معاصر ایرانی بپردازد. به همین منظور، مقاله با مطالعه آثار برجسته شعر نو - به مثابه یکی از تجلی‌گاه‌های اندیشه معاصر - به طبقه‌بندی تحولات مفهومی کوه خواهد پرداخت.

واژگان کلیدی | ایران، شعر نو، منظر کوه، اسطوره.

کوه سبب می‌شد تا ایرانیان معانی زیادی برای کوه خلق کنند (آتشین‌بار، ۱۳۸۸: ۳۲-۳۴). به عنوان مثال، کوه سبلان در مقیاس منطقه‌ای و کوه دماوند در مقیاس ملی نقش سمبلیک و اسطوره‌ای دارند؛ به همین واسطه، ابنیه روی کوه‌ها، به خصوص کوه‌های بزرگ و خاص نیز مقدس بودند. گهواره دیو در شیراز، قلعه دختر در کرمان، آرامگاه کهن در کوه خضر نبی قم و امام‌زاده اسماعیل فیروزکوه از جمله این نمونه‌هاست که به رغم تفاوت زمینه جغرافیایی، به دلیل ارتباط خاص با کوه جنبه قدسی دارند.

در دوره معاصر با ورود مدرنیته، زندگی عادی روی کوه رفت، نگاه به کوه تغییر کرد و تکنولوژی این امکان را به مردم داد تا آنرا تسخیر کنند (داریوش، ۱۳۹۵). برای مثال در خصوص رابطه کوه‌های البرز - که از نظر جغرافیایی و اسطوره‌ای مهم‌ترین کوه‌های ایران هستند - و شهر تهران

مقدمه | کوه در نگاه پیشینیان پدیده مهمی تلقی می‌شده است: ارتفاع و بلندی، پژواک، شکوه و عظمت و احساسی که پس از حضور در آن یا به واسطه مشاهده آن بر انسان چیره می‌شود، از دلایل اصلی برای این توجه است. به دلیل جغرافیای خاص فلات ایران، کوه‌ها منابع آب شیرین هستند و از آنجا که همجواری با آب، از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری تمدن‌ها بوده، در ایران نیز عمده روستاهای غرب ایران و بسیاری شهرهای بزرگ در دامنه کوه‌ها شکل گرفته‌اند. علاوه بر این، کوه‌ها نقشی دفاعی و پناهگاهی در برابر بلایای طبیعی و انسانی برای ساکنین کوهپایه داشتند، آب و هوای متبوعی در اطراف خود ایجاد می‌کردند و منابع معیشتی بسیاری بوده‌اند. این کارکردهای

* ایمیل نویسنده مسئول: babak.dariush@gmail.com

شماره تماس: ۰۹۱۲۵۱۴۳۷۹۷

منظر کوه در شعر نو پارسی | بابک داریوش و محمد آتشین‌بار

موسی در کوه طور جلوه خداوند را دید (قرآن کریم، سوره طور)؛ همچنین حضرت محمد (ص) در غار حرا به پیامبری مبعوث گشت (قرآن کریم، سوره علق). در اساطیر یونان و هند نیز کوه نماد قدرت خدایان محسوب می‌شود (ایونس، ۱۳۷۳ : ۲۰۰ و ایلیاده، ۱۳۷۲ : ۱۰۶). مهم‌ترین اسطوره مربوط به کوه در میان اقوام آریایی شکل گرفت؛ انسان نخستین در کوه خلق شد، در کوه زیست و ارواح مردگان آنان نیز در سر پل چینوت داوری می‌شوند (موسوی حاجی، ۱۳۸۷ : ۱۶۲). کوه در ایران باستان یا مستقیماً اسطوره یا محل زندگی اسطوره بوده است. این امر معماری را پدید می‌آورد که در ارتباط با کوه تکامل می‌یابد. چاه مرتاض علی از آثار تاریخی شهر شیراز است که در قله کوه هفت‌تنان واقع شده و عامه مردم معتقدند نام این محل بر گرفته از فردی به نام مرتاض علی است که در این مکان به ریاضت مشغول بوده و مقبره او در انتهای پلکانی است که در زیرزمین به یک چاه آب منتهی می‌شود. این بنای سنگی یک چارتاکی است که به واسطه فضا سازی آن، به نوعی یک مهرابه است (تصویر ۱). همچنین معماری مقبره بی‌بی



تصویر ۱: درخت کهنسال اطراف چارطاقی مرتاض علی و آب موجود در کنار آن، سه‌گانه ایرانی (جوادی، ۱۳۸۶ : ۲۰) را تکمیل می‌کند و نشان از تقدس این فضا دارد. عکس: محمد آتشین‌بار، ۱۳۹۵.

که بزرگ‌ترین شهر ایران است - این مسئله قابل لمس است (Dariush & Taghavian, 2018). «آن اسگارد» معتقد است کوه‌های تهران در دو روز اول بازدید از شهر دیده نمی‌شوند و آنچه در اولین برخوردها به چشم می‌آید، شهری بزرگ با درختانی است که همه جا هستند و مراکز تجاری که در همه شهر پخش شده‌اند. در صورتی که کوه از آغاز بوده است و این شهر بوده که خود را به آن نزدیک و به حریم آن تجاوز کرده است. گویی شهر، روستاهای اطراف کوهپایه‌های حاشیه را بلعیده و خود را به آن رسانده است (اسگارد، ۱۳۹۳ : ۶۶).

سؤال

کوه در دوره معاصر چه تفاوتی با مفهوم آن در دوران باستان دارد؟

فرضیه

به نظر می‌رسد منظر کوه در اندیشه معاصر، از جایگاه اسطوره‌ای به یک عنصر نمادین تغییر یافته و کارکردهای طبیعی و رمانتیک آن برجسته شده است.

روش تحقیق

شعر نو که واکنش جامعه نخبه در آغاز دوره مدرن ایرانی نسبت به ناکارآمدی شعر کلاسیک آن زمان است، بیان‌گر بخش مهمی از اندیشه معاصر ایران است، که نه تنها در میان جامعه نخبه رواج یافت بلکه مورد توجه عموم مردم نیز قرار گرفت. لذا بررسی این اشعار می‌تواند تحلیل درستی از کارکرد کوه در اندیشه معاصر ایران ارائه کند. نیما یوشیج، سهراب سپهری، مهدی اخوان ثالث، هوشنگ ابتهاج و فروغ فرخزاد از شاعرانی هستند که نه تنها مقوله طبیعت در آثار آنها مهم به نظر می‌رسد، بلکه واکنش ادبی آنها نسبت به کوه حائز اهمیت است^۲. مقاله با سه معیار شهرت، تأثیرگذاری و تعداد تکرار واژه کوه، به انتخاب شعر از این شاعران و تحلیل کیفی آنها پرداخته است.

کوه به مثابه یک منظر اسطوره‌ای

در باورهای کهن، کوه محل اتصال و تلاقی زمین و آسمان و جایگاه ارواح خدایان بوده است (پیگوت، ۱۳۷۳ : ۹۶). زندگی در کوه نشان بریدن از تعلقات دنیایی و پیوستن به علایق آن جهانی است، به علاوه نشانه‌ای از خضوع و خشوع انسان در برابر خالق خویش است (راشد محصل، ۱۳۹۱ : ۱۲۰). زرتشت در بالای کوه به الهام غیبی رسید (عقیقی، ۱۳۷۴ : ۵۹۲) و



تصویر ۲: کاروانی در گذر زال را در کوه می بیند، جایی که سیمرغ از او نگهداری می کند. قالب شماره ۸ از نسخه دستی اصلی شاهنامه. مأخذ: موزه متروپولیتن نیویورک.

شود و در شعر نو بروز یابد؛ اندیشه شعرای شعر نو نسبت به انسان عینی تر و برداشت های ذهنی ایشان از طبیعت، فردی شد. این برخورد سبب شد عرصه شعر با زبان مردم کوچه و بازار پیوند خورد، همچنین عناصر و واژه های بومی و محلی وارد شعر شود (یونسی رستمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۰). اگرچه بسیاری ظهور شعر نو را با ابیات ابوالقاسم لاهوتی می دانند، اما اشعار نیما یوشیج سبب شهرت شعر نو در فرهنگ ایرانی شد. شعر نو بر خلاف شعر کلاسیک به جای تأثیرپذیری از طبیعت، سعی کرد بر آن تأثیرگذار باشد و آن را با زندگی روزمره مردم گره زند.

نیما یوشیج

وی کوشید با قرار دادن امور عینی در مرکز شعر خود، برای انتقال نگاه اجتماعی و انسانی اش، به شکل هنری و ادبی از طبیعت استفاده کند (محمدی و پناهی، ۱۳۸۸: ۹۲). در نگاه وی، انسان جزئی از طبیعت است (یوشیج، ۱۳۶۳: ۵۷۰). برای

شهربانو در شهر ری نیز که بر یک بنای ساسانی ساخته شده است، یادآور بناهای مقدس دوران باستان است. هر دو بنای مذکور با پالایش باورهای کهن، از دیرباز تا کنون به عنوان یک مکان مقدس در ذهن ایرانی باقی مانده اند.

رویگرد نگاه قدسی به کوه را می توان در متون ادبی کلاسیک ایرانی نیز مشاهده کرد. کوه محل طلوع خورشید و آشیان سیمرغ است؛ به ویژه البرز، زنده دیوان است و به دور از تاریکی، سردی، گرمی، بیماری، مرگ و نیز عاری از ناپاکی ناشی از دیوان، به شمار می رود:

چو مشکین جعد شب را شانه کردند
چراغ روز را پروانه کردند
سر از البرز برزد قرص خورشید
جهان را تازه کرد ایین جمشید
(نظامی، خسرو و شیرین)

فرود آمد از ابر سیمرغ و چنگ
ایزد بر گرفتش از آن گرم سنگ
ببردش دمان تا به البرز کوه
که بودش بداند جا کنام و گروه
(فردوسی، شاهنامه)

کوه در ایران باستان نماد توسل به آسمان است، یک مکان مقدس و پاک برای ارتباط با امر قدسی. این جایگاه کوه در ذهنیت ایرانی، نقشی اسطوره ای را برای آن رقم می زند که سهمی بسزا در شکل گیری تمدن و فرهنگ ایرانی دارد و بقدری قدرتمند است که سایر اساطیر را نیز در بر خود قرار می دهد (تصویر ۲). این وجوه باعث شده معانی کوه بیش از کالبد طبیعی آن را در بر گیرد و آن را به یک منظر بدل سازد. به عبارت دیگر البرز معنای مشترکی نزد ایرانیان دارد که رابط تجربه آنان است.

منظر کوه در شعر نو

از آنجا که جنبه های ذهنی و ادراکی منظر در کنار وجه عینی آن به طور همزمان پدید می آید، رد پای تأثیرگذار بسیاری از علوم در این حوزه قابل مشاهده است. تأثیر این علوم از جمله ادبیات آنقدر زیاد است که می تواند منبع شناخت و ادراک سیر تحولات یک جامعه باشد.

تغییرات اجتماعی آغاز دوره مدرن ایران در اواخر قاجار و اوایل پهلوی، سبب شد تا شعر کلاسیک ایرانی نیز متحول

که را این صبح
خوش ست و خوب و فرخنده؟
(صبح)

هوشنگ ابتهاج

در غزل ابتهاج تأثیر عناصر بومی و اقلیمی کم است و اتکای او به سنت ادبی دیرپای ایران افزایش می‌یابد (کاظمی، ۱۳۹۴: ۱۶۶۱). در اکثر غزل‌ها این طبیعت است که وسیله ای برای بیان مفاهیم ذهنی است. وی با تصویر کردن طبیعت، تأثرات خود را نیز به تصویر میکشد (اقبال‌ی و رسولی، ۱۳۸۹: ۲۸). کوه در اشعار ابتهاج یک طبیعت بکر است که در کنار سایر عناصر طبیعی، تصویری احساسی را رقم می‌زند:

پشت این کوه بلند
لب دریای کبود
دختری بود که من
سخت می‌خواستمش
و تو گویی که گالی
(دیوار)

فروغ فرخزاد

فروغ نیز با طبیعت، مواجهه و برخوردی احساسی دارد. او به طبیعت عشق می‌ورزد و نگران نابودی آن در جهان مدرن و صنعتیاست (صادقی شهپر و کریمی، ۱۳۹۱: ۹۳). نگاه فروغ به کوه مانند نگاه کلی او به طبیعت است؛ رابطه‌ای فردی که ناشی از تجربه و متعلق به خود اوست:

سر بکوبم به سنگ کوهستان
تن بکوبم به موج دریاها
بس که لبریزم از تو می‌خواهم
چون غباری ز خود فرو ریزم
(از دوست داشتن)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

منظر کوه در شعر معاصر نسبت به شعر کلاسیک از دو جنبه جایگاه و نقش آن قابل تأمل است. جایگاه کوه در طول تحولات تاریخی و اجتماعی ایران همواره ثابت بوده و به عنوان یک مکان مقدس و پاک شناخته شده است،

نیما کوه نه تنها الهام بخش محتوای شعر است، بلکه حتی ایده‌هایی هم برای فرم شعر به او می‌دهد. نیما از معنای نمادین کوه استفاده می‌کند اما به کارکردهای واقعی و عینی کوه اشاره دارد:

آب می‌غرد در مخزن کوه
کوه‌ها غمناک‌اند
ابر می‌پیچد، دامانش تر
وز فراز دره اوجای جوان بیم آورده بر افراشته سر
(آنکه می‌گرید)

سهراب سپهری

سهراب را می‌توان یک عارف مدرن دانست. او راه رسیدن به خدا را به کمک شناخت آفریده‌هایش طی می‌کند. تمام طبیعت برای او آیه‌ای از خالقش است. نگاه ریزبین وی به دنبال یافتن دنیایی پاک و زیبا همچون طبیعت برای انسان‌هاست (قاضی زاده ۱۳۸۳: ۵۴). سهراب به کوه رویکردی آیه‌نگر دارد و می‌توان آن را به عنوان راهی برای شناخت هستی در نظر گرفت:

و به آنان گفتم:

سنگ آرایش کوهستان نیست

همچنانی که فلز، زیوری نیست به اندام کنگل.

در کف دست زمین گوهر ناپیدایی است

که رسولان همه از تابش آن خیره شدند.

پی گوهر باشید.

(سوره تماشا)

مهدی اخوان ثالث

اخوان در جای‌جای اشعارش با استفاده از انواع آرایه‌های ادبی و صنایع بدیعی از مظاهر طبیعت و محیط زندگی برای بیان بهتر مقصود خود، استفاده فراوان برده است (عنایستانی، ۱۳۹۶: ۵). وی از شاعرانی است که ساخت واژه‌هایی با استفاده از عناصر بومی و اقلیمی نقش بسیار پررنگی را در مجموعه آثارش ایفا می‌کند؛ کوه میخ یکی از این واژگان است. عمده رویکرد اخوان به کوه، یک عنصر واسطه برای ارتباط است:

ز بس با صد هزاران کوه می‌بخش کرده‌ای ستوار

نه می‌افتد نه می‌خیزد

ز تو می‌پرسم ای مزداهورا، ای اهورامزدا

اما نقش آن از یک عنصر اسطوره‌ای به یک عنصر نمادین تغییر یافته است. سنت‌شکنی و تغییر جهان‌بینی دو عامل اصلی مشهود برای این تغییر هستند که در اشعار به چشم می‌خورد :

سنت شکنی : شاعر سعی دارد خود را از قالب‌های گذشته رها کند و برای شروع زندگی جدید ادبی خود، کوه را که

نشان صلابت و ایستادگی است به زندگی عادی وارد کند. تغییر جهان‌بینی : تغییر زندگی مدنی با ورود کلید واژه‌های جدید به اجتماع دچار دگردیسی شد، شاعر سعی دارد با ساده کردن مفهوم کوه برای مردم، مفاهیم اجتماعی را زنده و جاری کند.

پی‌نوشت

*. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی «منظربران» است که به صورت مشترک میان پژوهشکده نظر و لابراتوار لدیس (Ladyss) از دانشگاه پاریس دیدرو ۷ از فرانسه و تحت حمایت طرح پژوهشی جندی شاپور وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران (مرکز مطالعات و همکاری‌های بین‌المللی) و وزارت خارجه فرانسه (بخش فرهنگی سفارت فرانسه در

ایران) در حال انجام است.

۱. Anne Sgard استاد دانشگاه ژنو و پژوهشگر حوزه «منظر کوه»
۲. این شاعران با مشورت خبرگان حوزه ادبیات انتخاب شده‌اند.

فهرست منابع

- آتشین‌بار، محمد. (۱۳۸۸). منظر روستایی در غرب ایران : اورامان و پالنگان، روستاهای آیینی ایران. مجله منظر، ۱ (۲) : ۳۴-۳۲.
- اسگارد، آن. (۱۳۹۳). طبیعت در منظر شهری تهران. مجله منظر، ۶ (۲۸) : ۶۷-۶۶.
- اقبالی، ابراهیم و رسول زاده، حسین. (۱۳۸۹). بررسی عناصر ساختار غزل‌های سیاسی اجتماعی در اشعار هوشنگ ابتهاج و شفیع کدکنی. مجله تاریخ ادبیات، ۶۱ : ۴۴-۲۷.
- الیاده، میرچا. (۱۳۷۲). رساله در تاریخ ادیان. ترجمه : جلال ستاری. تهران : انتشارات سروش.
- ایونس، ورونیکا. (۱۳۷۳). اساطیر هند. ترجمه : باجلان فرخی. تهران : نشر اساطیر.
- پیگوت، ژولیت (۱۳۷۳)، اساطیر ژاپن، ترجمه باجلان فرخی، تهران، نشر اساطیر.
- جوادی، شهره. (۱۳۸۶). اماکن مقدس در ارتباط با طبیعت. مجله باغ نظر، ۴ (۸) : ۲۲-۱۲.
- داریوش، بابک. (۱۳۹۵). کوهستان البرز در طرح جامع تهران. مجله منظر، ۸ (۳۷) : ۵۵-۴۸.
- راشد محصل، محمدرضا و بهنام فر، محمد و زمانی‌پور، مریم. (۱۳۹۱).
- تجلی کوه در ایران باستان و نگاهی به جلوه‌های آن در ادب فارسی. مجله مطالعات ایرانی بهار، ۱۱ (۲۱) : ۱۴۶-۱۱۹ .
- صادقی شهپر، رضا و کریمی، ندا. (۱۳۹۱). نموده‌های طبیعت‌گرایی در شعر فروغ. فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات پارسی، ۱۳ : ۹۴-۷۱.
- عقیفی، رحیم. (۱۳۷۴). اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته‌های پهلوی. تهران : نشر توس.
- عنابستانی، آمنه. (۱۳۹۶). نگاه بومی و اقلیمی در اشعار اخوان ثالث. دومین همایش ملی بازشناسی مشاهیر و مفاخر خراسان.
- قاضی‌زاده، سیده ندا. (۱۳۸۳). جایگاه طبیعت در اشعار سهراب سپهری. مجله باغ نظر، ۱ (۲) : ۶۸-۵۵ .
- قرآن کریم. ترجمه : محمدمهدی فولادوند.
- کاظمی، رحمان. (۱۳۹۴). رنگ اقلیمی در شعر هوشنگ ابتهاج. هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی. تهران : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- محمدی، ابراهیم و حقدادی، عبدالرحیم و ماهوکی، مرضیه. (۱۳۸۹). نمادهای طبیعت در شعر اخوان و بدر شاکر السیاب نخستین همایش ملی ادبیات فارسی و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای.
- محمدی، علی و پناهی، نعمت‌اله. (۱۳۸۸). عناصر اجتماعی و انسانی

منظر کوه در شعر نو پارسی | بابک داریوش و محمد آتشین‌بار

محمدرضا شفیعی کدکنی. فصلنامه زبان و ادب فارسی، ۶ (۱۹) : ۱۳۹-۱۶۴.

• Dariush, B. & Taghavian, N. (2018). Cultural Study Of the Relationship between Mountain and the City. *SOCIO-SPATIALSTUDIES*, 3 (1).

در شعر نیما یوشیج. مجله نامه فارسی، ۴۸ و ۴۹ : ۸۷-۱۱۳.

• یوشیج، نیما. (۱۳۶۳). نامه‌ها. به کوشش سیروس طاهباز. تهران : شرکت سهامی خاص نشر آبی.

• یونسی رستمی، محمدتقی و همکاران. (۱۳۹۳). تجلی طبیعت در اشعار

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

داریوش، بابک و آتشین‌بار، محمد. (۱۳۹۷). منظر کوه در شعر نو پارسی. مجله منظر، ۱۰ (۴۲): ۳۲-۳۷.

DOI: 10.22034/manzar.2018.63130

URL: http://www.manzar-sj.com/article_63130.html

